

آثار نقل و انتقال سهم در شرکت سهامی در حقوق ایران و افغانستان

سید سهراب سادات^۱

چکیده

سهم در شرکت‌های سهامی به انواع گوناگونی قابل تقسیم است، مانند سهم بی‌نام سهم بانام، سهم عادی سهم ممتاز، سهم در مقابل آورده‌ای نقدی و غیر نقدی هرگا سهم در شرکت‌های سهامی به دیگری انتقال یابد در حقوق ایران و افغانستان آثاری را به وجود می‌آورد این آثار در رابطه طرفین عبارت است از انتقال سهم به منقل الیه که در سهام بانام و بی‌نام متفاوت است در سهام بانام ثبت انتقال در دفتر سهام شرکت الزامی است ولی در انتقال سهم بی‌نام عمل انتقال صرفا با قبض و اقباض انجام می‌شود، تحویل ثمن به انتقال دهنده یکی دیگر از آثار انتقال سهم در روابط طرفین می‌باشد؛ زیرا نقل و انتقال سهم از جمله عقود معوض بوده که منتقل الیه در مقابل دریافت سهم مکلف به پرداخت قیمت آن است، اثر دیگری نقل و انتقال سهم در رابطه با شرکت است، شرکت سهامی مکلف است انتقال سهم را در دفتر ثبت سهم درج کند با این عمل منتقل الیه ملحق به شرکت شده و می‌بایست تمام مقررات شرکت را رعایت نماید علاوه بر این منتقل الیه با مالک شدن سهم برخوردار از حقوقی می‌شود که ناشی از سهم است این حقوق به مالی و غیر مالی قابل تقسیم است، حقوقی از جمله حق دریافت منافع، حق تقدم در خرید سهام جدید و حق سهیم شدن در دارایی شرکت پس از انحلال در دسته حقوق مالی و حق رای، حق انتقال سهم به دیگران، حق اطلاع از وضعیت مالی شرکت در دسته حقوق غیر مالی قرار می‌گیرد. یافته‌های این پژوهش حاکی بر این است که در اکثر مباحث ارائه شده در حوزه‌های انواع سهم و آثار نقل و انتقال سهم به شکل مشترک در حقوق هر دو کشور باز تاب یافته است، اما در برخی موارد، قوانین ایران مخصوصا قانون تجارت ایران نسبت به قوانین افغانستان المسئولیت از تکامل و جامعیت بیشتری برخوردار است.

کلید واژگان: نقل و انتقال سهم، سهم، شرکت سهامی، حقوق، آثار ناشی از انتقال سهم.

^۱ - دانشجوی دکتری حقوق خصوصی جامعة المصطفی العالمیه واحد گرگان.

مقدمه

سهام در شرکت‌های سهامی به انواع گوناگون قابل تقسیم است، مانند سهم بی‌نام سهم بانام، سهم عادی سهم ممتاز، سهم در مقابل آورده ای نقدی و غیر نقدی، یکی از ویژگی و اصول حاکم بر سهام قابلیت نقل و انتقال آن می‌باشد، اشخاص می‌توانند سهام را به دیگری انتقال دهند، نقل و انتقال سهام در ظاهر اگر چه همانند نقل و انتقال سایر اموال است اما به لحاظ وابستگی سرنوشت شرکت به سهام از اهمیت بسزایی برخوردار است علاوه بر این نقل و انتقال سهام برخلاف نقل و انتقال سایر اموال از آثار متفاوتی برخوردار است و افراد متعددی را درگیر می‌کند آثار نقل و انتقال سهام در رابوط طرفین در رابطه با شرکت و حقوقی ناشی از انتقال سهم برای منتقل الیه تبلور می‌یابد، این آثار در روابط طرفین عبارت از انتقال مالکیت سهم به منقل الیه که در حقوق ایران نسبت به سهام بانام و بی نام متفاوت می‌باشد، در سهام با نام برای انتقال مالکیت می‌بایست انتقال در دفتر ثبت سهام شرکت درج شود و در سهام بی نام انتقال مالکیت با قبض و اقباض صورت می‌گیرد اما در حقوق افغانستان نقل و انتقال سهام به صورت کلی یک عمل تشریفاتی بوده و می‌بایست در دفتر ثبت سهام شرکت محدود المسئولیت ثبت شود هم چنین منتقل الیه در مقابل دریافت سهم مکلف به پرداخت ثمن به انتقال دهنده می‌باشد. در رابطه با شرکت، در حقوق ایران و افغانستان شرکت مکلف به ثبت سهام در موردی که قانون‌گذار به صراحت بیان کرده است می‌باشد و هم چنین منتقل الیه با دریافت سهم جزء شرکا شرکت محسوب شده و می‌بایست تمام قوانین و مقررات را رعایت نماید و آخرین اثری که می‌توان برای نقل و انتقال سهم ذکر نمود حقوقی است که از سهم ناشی شده و منتقل الیه از آن بهرمنده می‌شود و به دو قسم قابل تقسیم است حقوق مالی و حقوقی غیر مالی، حق دریافت منافع ناشی از سهم که در هر سال مالی به سهامداران تعلق می‌گیرد، حق تقدم در خرید سهام جدید به تناسب سهام‌شان و حق سهیم شدن در دارایی شرکت پس از انحلال در دسته حقوق مالی و حق رای در مجامع عمومی، حق انتقال سهام به دیگری در صورتی که قصد فروش سهام خود را داشته باشند، حق اطلاع از وضعیت مالی شرکت این‌که شرکت در سال مالی متقبل سود شده است یا ضرر در دسته حقوق غیر مالی قرار می‌گیرد. تحقیق حاضر سعی بر آن دارد تا ضمن بیان انواع سهم و شرکت‌ها به بیان آثار نقل و انتقال سهم در شرکت سهامی در حقوق ایران و افغانستان به گونه‌ی تحلیلی، توصیفی و تطبیقی پرداخته و دیدگاه حقوق‌دانان را ذکر کرده و در آخر نتیجه آن را ارایه می‌دهد.

گفتار اول مفهوم سهم، شرکت و انواع آن

سهم وسیله و ابزاری است که اشخاص توسط آن عضویت یک شرکت را به دست آورده و دارای حقوق و تکالیفی می گردند، سهام انواع متفاوتی دارد به عنوان مثال می توان به سهم بی نام، با نام، ممتاز، سرمایه، سهم در مقابل آوردهی نقدی و غیر نقدی و... اشاره نمود که در زیر بیان خواهد شد.

بند اول: تعریف و انواع سهم

در این به تعریف و انواع سهم پرداخته خواهد شد.

الف) مفهوم سهم

۱- سهم در لغت: عبارت است از، تیری که با کمان پرتاب نمایند، تیری که در قرعه کشی به کار برند، بهره، حظ، نصیب، سندی که مبین تملک حصه‌ی معین در شرکت‌های سهامی است (معین، ۱۳۷۶، ۱۹۶۳). سهام جمع سهم به معنی حصه شریک در مال مشترک و سندی که حکایت از مالکیت حصه معین در شرکت تجارتي به نام شرکت سهامی می کند (جعفرلنگرودی، ۱۳۹۷، ۳۸۳).

۲- در اصطلاح: ماده ۲۴ لایحه‌ی قانونی سهم را چنین تعریف کرده (سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص کننده میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می باشد)

ب) انواع سهم

در این بند انواع سهم از جهت آورده، از سهولت انتقال و از جهت مزایای آن بیان خواهد شد

۱- **سهم سرماییه:** سهم سرماییه عبارت از سهمی است که قسمتی از سرمایه شرکت را نمایندگی کرده و به صاحبان خود اجازه استفاده از منافع بدست آمده به میزان سهم شان را در دوران حیات شرکت می دهد و هم چنین در زمان انحلال شرکت صاحبان اش را صاحب قسمتی از سرمایه اصلی شرکت می سازد (تهرانی، ۱۳۸۸، ۸۸).

۲- **سهم انتفاعی:** سهمی است که براساس آن شرکا می توانند وارد شرکت شوند بدین معناه که سهم انتفاعی سهمی است که صاحب آن فقط در زمان حیات شرکت از منافع سهم استفاده کرده و در زمان انحلال از سرمایه اصلی شرکت سهمی ندارد (اسکینی، ۱۳۸۸، ۸۹).

۳- **سهم مؤسسی:** عبارت است از سهمی که به صاحب آن حق استفاده از منافع شرکت را در زمان حیات شرکت داده و گاه در زمان انحلال می تواند بخشی از سرمایه شرکت را استفاده کن (تهرانی، همان، ۸۹)

۴_ سهم بانام: سهم می‌تواند بانام باشد، در این حالت مالک سهم مشخص است و در مقر شرکت دفتری وجود دارد که شماره سهم و نام دارنده‌ی سهم در آن ذکر شده است که بر اساس آن می‌توان معوم کرد صاحب هر یک از سهام چه شخصی است (عبادی، ۱۳۸۴، ۱۳).

۵_ سهم بی نام: برگه ای است که اسم مالک آن در برگه و یا در دفتر ثبت شرکت ها ثبت نشده باشد و مالک آن کسی است که برگه در دست آن باش (عبادی، همان، ۹۴).

۶_ سهم ممتاز: سهام ممتاز به سهمی گفته می‌شود که در مقایسه به سهام دیگر امتیازاتی نسبت به منافع و سرمایه داشته باشد اما قیمت اسمی سهم هم مانند سهام عادی بوده و بیشتر از آن نمی باشد.

سهام عادی محسوب می‌شوند مگر این که برای آنها امتیازات خاصی مدنظر قرار داده باشند که به آن ها سهام ممتاز می‌گویند (عبادی، همان، ۹۵).

بند دوم : مفهوم شرکت و انواع آن در حقوق ایران و افغانستان

شرکت به انواع گوناگون تقسیم می‌شود در یک تقسیم بندی شرکت‌ها را به تجاری مدنی و غیر تجاری می‌توان تقسیم نمود و هر کدام از این شرکت‌ها به انواع گوناگون تقسیم می‌شوند مثلاً شرکت های مدنی به قهری و اختیاری و شرکت‌های تجاری به اشخاص و سرمایه تقسیم می‌شوند در این گفتار علاوه بر تبیین مفهوم شرکت به بیان انواع شرکت ها در حقوق ایران و افغانستان پرداخته می‌شود:

الف : در لغت و اصطلاح حقوقی

۱_ در لغت: از ریشه (شرک) به معنای شریک شدن، انبازشدن، همدست شدن در کاری، انبازی، (عمید، ۱۳۸۷، ۷۹۳). شریک شدن، انبازشدن، همدست شدن در کاری، انبازی، مشارکت، اجتماع حقوق مالکان متعدد درشی واحد به نحو اشاعه (معین، ۱۳۷۶، ۲۰۳۹).

۲_ در اصطلاح: عبارت از اذن در تصرف است ویا به عبارت دیگر اجتماع دو یا چند شخص در استحقاق و تصرف شرکت گفته می‌شود. شرکت یکی از قدیمی ترین تأسیسات حقوقی ملل مختلف بوده و مورد امضاء شرع قرار گرفته است (انصاری، طاهری، ۱۳۸۸، ۱۱۴). عبارت از آمیختن دوماال است به نحوی که یکی از دیگری تمیز نگردد (قادری، ۲۷۰). آقاه کوروش کاویانی برای شرکت مفهوم گسترده ذکر نموده است. به بیان ایشان در عقود معوض هم از جمله بیع می‌توان شرکت را یافت (کاویانی، ۱۳۹۳، ۱۱).

(ب): انواع شرکت در حقوق ایران

شرکت ها در حقوق ایران به شرکت دس شرکت های مدنی، غیر تجاری و تجاری دسته بندی می شوند (پاسبان، ۱۳۸۹، ۵۷).

۱_ مدنی: عقد شرکت در معنایی خاص در ماده ۵۷۱ قانون مدنی چنین بیان شده است. (شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه) (پرویز، ۱۳۸۷، ۱۴).

۲_ تجاری: قانون تجارت ایران تنها به شمردن تعداد شرکت های تجاری اکتفا کرده است و تعریفی از شرکت- های تجاری ارائه نمی دهد. دکتر اسکینی در کتاب حقوق تجارت خود شرکت های تجاری را قراردادی می داند که به براساس آن یک یا چند نفر توافق می کنند که دارایی مستقلی از جمع آورده های نقدی یا غیر نقدی آنان تشکیل می شود ایجاد کنند و به مؤسسه ای که برای هدف خاصی ایجاد می شود اختصاص دهند و درزیان ها و منافع احتمالی آن باهم دیگر سهام شوند. (پاسبان، همان، ۶۲). این شرکت به انواع گونا گونا قابل تقسیم است از جمله شرکت های تضامنی، نسبی، شرکت سهامی، شرکت مسئولیت محدود، سهامی مختلط و شرکت سهامی غیر مختلط. در این مقاله صرفا شرکت سهامی که مرتبط با موضوع تحقیق می باشد بیان خواهد شد

۱_۱ شرکت سهامی:

شرکت های سهامی به دو دسته تقسیم می شوند، شرکت های سهامی عام و شرکت های سهامی خاص، شرکت های سهامی خاص شرکت های است که توسط مؤسسين تمام سرمایه تأمین می شود، برای تشکیل شرکت سهامی خاص حداقل سه شریک لازم است و یکی از امتیازات بارز این نوع شرکت این است که مالکین سرمایه که به عبارت دیگر سهامدار گفته می شوند دارایی اوراقی به نام سهم می باشند و شرکت سهامی عام شرکتی است که بخشی از سرمایه از طریق مراجعه به عموم که همان پذیره نویسان باشد تأمین شده و تمام سرمایه آن به سهام تقسیم شود. سهام داران شرکت سهامی به استثناء آنچه که به عنوان آورده در هنگام ورود به شرکت تعهد می کند مسئولیت دیگری در قبال قروض شرکت ندارد و مسئولیت آن به اندازه قیمت سهم اش می باشد.

۳_ غیر تجاری: یکی دیگر از انواع شرکت ها، شرکت ها غیر تجاری است. اشخاص حقوقی زیادی هستند که در هیچ کدام از دو دسته بندی تجاری و مدنی قرار نمی گیرند، همچنین این دسته از شرکت ها در زمره ای شرکت های مدنی قرار نمی گیرند چون در مرجع ثبت مؤسسات غیر تجاری به ثبت نرسیده اند و شخصیت حقوقی نیز ندارند (پاسبان، پیشن، ۱۸/۱۹).

ج: انواع شرکت در حقوق افغانستان

قواعد و مقررات وضع شده در افغانستان به دو نوع شرکت اشاره دارند شرکت های مدنی و شرکت های تجاری که در زیر به بررسی این نوع شرکت های خواهیم پرداخت.

۱_مدنی: ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی افغانستان شرکت مدنی (عقدی است که به موجب آن دو یا زیاد از دو شخص تعهد می نمایند تا در بکار انداختن یک فعالیت مالی یا با پرداختن مقدار مال یا انجام عمل یا اعتبار طوری سهم شونند که مفاد و ضرر بر اساس موافقه بین آنها صورت گرفته توزیع شود (استانکزی، ۱۳۹۳، ۲۲۲). همانند خرید و فروش عقار و تقسیم آن، یا بهر برداری از معادن و در راستای کشاورزی و غیره (دادمحمد، ۲۰۱).

۲_تجاری: با مراجعه و استناد به فقره ۱۳ ماده ۳ قانون شرکتهای محدودالمسئولیت مصوب ۱۳۹۶ و ماده ۳ قانون شرکتهای تضامنی مصوب ۱۳۸۵ و قانون شرکتهای کپراتیف (تعاونی) مصوب ۱۳۸۷ افغانستان شرکتهای تجاری در این کشور به ۱- تضامنی عام ۲- تضامنی خاص ۳- تضامنی کار ۴- تضامنی به اعتبار ۵- محدودالمسئولیت بزرگ (سهامی عام) ۶- محدود المسئولیت کوچک (سهامی خاص) ۷- کوپراتیف (تعاونی) تقسیم می شوند. بنابراین باتوجه به قوانین فوق قانونگذار افغانستان ۷ نوع شرکت را در این کشور عملاً به رسمیت شناخته است که در اینجا شرکت های محدود المسئولیت بیان خواهد شد.

۱_۱ شرکت محدود المسئولیت: قانون شرکت های محدود المسئولیت در سال ۱۳۹۶ به تصویب رسید و در جریده رسمی به نشر رسید این قانون تمام قوانین قبلی را نسخ نمود و معادلات فراونی را برهم ریخت؛ تقسیم بندی که قبلاً در شرکت های سرمایه وجود داشت در این قانون از بین رفت شرکتهای سهامی که در سطح جهانی پذیرفت شده بود، حذف شده و شرکت محدود المسئولیت به عوض آن وضع شد از مواد قانون شرکت های محدودالمسئولیت می توان به دو نوع شرکت پی برد، فقره ۱۳ ماده ۳ شرکت محدودالمسئولیت بزرگ (سهامی عام) را چنین تعریف نموده است: «شرکت محدودالمسئولیت که مالیات آن تحت صلاحیت اداره مالیه دهندگان بزرگ ریاست عواید وزارت مالیه بوده یا شرکت محدود المسئولیت که دارای پنجاه یا بیشتر از پنجاه سهامدار باشد». و شرکت محدود المسئولیت کوچک اگر چه در قوانین به صورت واضح، اشاره به چنین شرکتی نشده است اما از مفهوم مخالف فقره ماده فوق به شرکت محدودالمسئولیت که مشمول مالیه دهندگان بزرگ ریاست عواید مالیه نباشد و یا این که تعداد سهامداران آن کمتر از پنجاه نفر باشد، شرکت محدودالمسئولیت کوچک (سهامی خاص) اطلاق می شود (میرزایی، ۱۳۹۶، ۱۱۹/ ۱۲۰).

گفتار دوم: آثار نقل و انتقال سهم در حقوق ایران و افغانستان و انگلیس

بدون شک می‌توان برای تمام عقود و تعهدات آثاری شناخت، نقل و انتقال سهم از این قاعده مستثنا نیست. هرگاه نقل و انتقال سهم در بین طرفین براساس شرایط معین شده در قانون صورت گیرد. برای طرفین، شرکت، آثاری را در پی خواهد داشت که در زیر بیان خواهد شد.

بند اول: در حقوق ایران

در این بند آثار ناشی از نقل و انتقال سهم براساس نظام حقوقی ایران بیان خواهد شد. این آثار در روابط طرفین، در رابطه با شرکت و حقوق ناشی از برگه سهم خواهد بود.

الف) آثار انتقال در روابط طرفین

با نقل و انتقال سهم آثاری در روابط طرفین به وجود خواهد آمد در این بند آثاری مربوط که عبارتند از انتقال مالکیت، تحویل برگه سهم و پرداختن ثمن (عوض سهم) بیان خواهد شد.

۱- انتقال مالکیت: انتقال مالکیت را می‌توان به عنوان مهم ترین اثر نقل و انتقال در سهم شرکت های سهامی شناخت زیرا آثار دیگر نقل و انتقال سهم در پرتو این به وجود می‌آیند در صورتی که انتقال سهم در چارچوب یکی از عقود تملیکی واقع شود خریدار مالک سهم و فروشنده مالک عوض می‌گردد، البته این واضح است در صورتی عوض سهم به فروشنده داده می‌شود که عقد از جمله عقود معوض باشد. سوال مطرح شده در این مورد این است که اگر یکی از آثار کلی نقل و انتقال سهم انتقال مالکیت است این انقال مالکیت در چه زمانی اتفاق می‌افتد؟ برای جواب دادن به این در ابتدا باید دید که آیا انتقال سهم عقدی است تشریفاتی یا غیر تشریفاتی ؛ در صورتی که عقد نقل انتقال سهم را از جمله عقود تشریفاتی دانسته شود می‌بایست انتقال سهم را به صورت حتمی ثبت شود و همانطور که در مباحث پیشین اشاره شد در شرکت سهامی در هنگام نقل و انتقال سهم نیازی به تشریفات خاصی از جمله ثبت آن نیست، در جواب این که آیا انتقال سهم در این شرکت ها یعنی شرکت های سهامی تشریفاتی است یا خیر حقوق دانان در مورد سهم بانام و بی نام نظریات متفاوتی مطرح کردند انتقال سهم با نام را از جمله عقود تشریفاتی دانستند می‌بایست در دفتر ثبت شرکت ها درج شود و در صورتی که این نظریه را پذیرفته شود می‌توان زمان ثبت انتقال در دفتر ثبت شرکت را به عنوان زمان انتقال مالکیت شناخت و انتقال سهم بی نام را در زمره عقود غیر تشریفاتی دانسته اند و نقل انتقال ان صرفا با قبض و اقباض صورت می‌گیرد (عمرانی، ۱۳۹۱، ۴۵/۴۴).

۲_ الزام به تسلیم سهم: در قراردادهای نقل و انتقال سهام، سهم مبیع به عنوان مبیع خوانده می‌شود و قانون مدنی در ماده ۳۶۷ در مورد مبیع چنین بیان می‌کند «تسلیم عبارت است از دادن مبیع به تصرف مشتری به نحوی که ممکن از انحاء تصرفات و انتفاعات باشد و قبض عبارت است از استیلا یا مشتری بر مبیع» به این ترتیب قبض و تسلیم دوجنبه گوناگون یک حقیقت است تسلیم عبارت از عملی است که فروشنده برای مسلط ساختن خریدار بالای مبیع انجام می‌دهد و این که خریدار بتواند بر مبیع استیلا داشته باشد، به اصطلاح حقوقی می‌توان گفت مبیع را قبض کرده است، سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در آثار نقل و انتقال سهام بیان شد که، باید مبیع (سهم) به خریدار تسلیم شود آیا منظور از تسلیم کردن مبیع به خریدار تسلیم مادی و محسوس است یا خیر. در مورد تسلیم مبیع باید به جنبه عرفی آن توجه نمود و عرف در این مورد می‌گوید؛ مبیع چنان در اختیار مشتری قرار بگیرد که عرف آن را مسلط بر مبیع بداند که گاهی برای متحقق شدن این امر باید به صورت مادی مبیع در اختیار خریدار قرار گیرد تسلیم برگه سهم در سهام بی نام به صورت مادی الزامی است زیرا قبلاً بیان شد که سهم بی نام به حواله کرد اشخاص صادر می‌شود و مالک آن شخصی است که سهم در تصرف آن باشد، و اما سهم بانام در صورتی می‌توان گفت که فروشنده آن را در تصرف خریدار در آورده یا تحویل خریدار داده است که در دفتر ثبت شرکت‌ها ثبت شود (کاتوزیان، ۷۸).

۳_ پرداخت قیمت سهام: در حالت انتقال معوض سهام آنچه در برابر سهم قرار می‌گیرد به مالکیت انتقال دهنده در خواهد آمد فلذا در مقابل تعهداتی که با وقوع قرارداد انتقال بر عهده انتقال دهنده واقع می‌شود تعهد به پرداخت قیمت سهام بر عهده منتقل الیه قرار می‌گیرد شیوه پرداخت هم براساس توافق طرفین می‌تواند نقدی، غیر نقدی، قسطی، پرداخت مال باشد؛ در صورتی که منتقل الیه مبلغ توافق شده در مقابل برگه سهم را به انتقال دهنده نپردازد می‌تواند از دادگاه الزام به انجام تعهد را در خواست نماید و یا حتی می‌تواند از خیار تاخیر ثمن استفاده کند (سیروان، ۱۳۸۸، ۱۴۰/۱۳۸).

(ب) آثار انتقال در رابطه با شرکت

نقل و انتقال سهام علاوه بر این که آثاری برای انتقال دهنده و منتقل الیه دارد برای شرکت صادر کننده سهم هم آثاری را به بار می‌آورد، حقوق و تکالیفی که برای شرکت به وجود می‌آورد این در حالی است که شرکت در نقل و انتقال سهام هیچ نقش نداشته و حتی موفقیت یا عدم موافقت شرکت هم در نقل و انتقال سهام در شرکت‌های سهامی لازم نیست، فلذا در این بند ابتدا اولین اثر آن که عبارت از ثبت واگذاری در دفاتر شرکت و بعداً هم در مورد الحاق واگذار شونده شرکت سهامی مطالبی بیان خواهد شد.

۱_ ثبت واگذاری در دفاتر شرکت: براساس ماده ۴۰ قانون تجارت فعلی نقل و انتقال سهام در صورتی که مراتب واگذاری در دفاتر شرکت به ثبت برسد از نظر شرکت و اشخاص ثالث معتبر خواهد بود و بر همین اساس هم ماده ۴۱۶ لایحه جدید در این مورد چنین بیان می دارد. «واگذاری سهام بانام باید در دفتر الکترونیک ثبت سهام شرکت به ثبت برسد، انتقال دهنده و انتقال گیرنده یا نمایندگان آنها باید مراتب انتقال را در دفتر مذکور امضاء کنند هویت و نشانی دقیق انتقال گیرنده را نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید نمایند، از نظر اجرای تعهدات ناشی از واگذاری سهم، معتبر است هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب به ثبت برسد و امضاء شود، هرگونه انتقال سهم بدون رعایت شرایط مذکور از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است» براساس این ماده هرگاه مطابق قانون و ضوابط اساسنامه، ثبت واگذاری از شرکت درخواست شود شرکت باید آن را قبول بدارد فلذا تعهد شرکت به ثبت واگذاری یک تعهد ناشی از قانون است که هرگاه سهام به دیگری انتقال پیدا کرد به عهده شرکت قرار می گیرد و هرگاه شرکت بدون دلیل قانونی و موجه از ثبت آن خود داری کند ممکن است ملزم به اجرای آن شود (دهقانی، آبادی، ۱۳۱۳۹۵، ۶۵).

۲_ الحاق واگذار شونده به شرکت: در صورتی که سهم در شرکت های سهامی به دیگری انتقال یابد منتقل الیه به شرکت سهامی ملحق خواهد شد زیرا در صورتی که شخص سهام خود را به دیگری انتقال داده وضعیت حقوقی آن هم با انتقال سهام کلا به دیگری انتقال می یابد و این که منتقل الیه پس از انتقال سهم مالک آن شناخته میشود بدین معناه است که با عضویت در شرکت سهامی تمام قوانین و مقررات شرکت سهامی را پذیرفته است (دهقانی، آبادی، همان، ۶۷).

۳_ تغییر تعداد شرکا: قانون گذار در مورد تعداد شرکا در شرکت های تجاری به صورت آمرانه اشاره کرده است و برای تشکیل شرکت تعداد خاصی را ذکر کرده است، در صورتی که تعداد شرکا به عدد مورد نظر نرسد ایجاد شدن شرکت غیر قابل تصور است به طور مثال ماده ۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت در مورد شرکت سهامی می گوید. «در شرکت سهامی تعداد شرکا نباید از سه نفر کمتر باشد» البته باتوجه به ماده ۱۰۷ لایحه فوق الذکر که بیان داشته است تعداد اعضاء هیئت مدیره شرکت سهامی عام نباید از پنج نفر کمتر باشد و با توجه به این که اعضاء هیئت مدیره باید از جمله سهامداران شرکت باشند می توان گفت که تعداد شرکا در شرکت سهامی عام باید حداقل پنج نفر باشد و ماده ۱۰۷ را می بایست مخصص اطلاق ماده ۳ دانست (پاسبان، پیشین، ۸۵): ازطرف دیگر اگر چه قانون گذار برای تشکیل شرکت های تجاری به وجود داشتن تعداد شریک مشخص اشاره کرده است اما در موارد انحلال شرکت تک شریک بودن را ذکر نکرده است (اسکینی، پیشین، ۱۲۹). اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۲۳۷۲ مورخ ۱۳۷۳/۶/۳ همین نظر را بیان کرده است «باتوجه به تعریف

شرکت سهامی در ماده (۱) قانون اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ و این که مطابق ماده ۳ قانون مزبور در شرکت سهامی تعداد شرکا نباید از سه نفر کمتر باشد خرید صد درصد سهام شرکت سهامی عام یا خاص توسط شخص حقیقی یا حقوقی واحد موجب خروج شرکت خریداری شده از دایره شمول مقررات حاکم بر شرکت های سهامی می شود» (میرزایی، پیشین، ۲۷). از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت؛ در صورتی که تعداد شرکای سهامی از آنچه قانون مشخص کرده است در هنگام نقل و انتقال سهام کمتر شود شرکت منحل خواهد شد.

ج: حقوق ناشی از سهم

با انتقال مالیکت سهام همانطور که تکالیفی برای منتقل الیه به وجود می آورد حقوقی را برای او به همراه خواهد داشت اگر چه می توان برای منتقل الیه حقوق متعددی را ذکر کرد اما قانون گذار برای آن در لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مبحث جداگانه را به آن اختصاص نداده و به صورت پراکنده در لابلای مباحث به آن اشاره کرده است فلذا این حقوق را می توان به دو دسته تقسیم کرد، دسته اول حقوق مالی و دسته دوم را حقوق غیر مالی است که به آن ها پرداخته خواهد شد.

۱- حقوق مالی

هرگاه سهم شرکت سهامی به دیگری انتقال یابد برای منتقل الیه حقوق مالی زیر را می توان برشمرد.

۱-۱ سهمی شدن در سود و ذخایر شرکت: منتقل الیه در مقابل پرداخت قیمت سهام انتظار بهرمند شدن از منافع شرکت را به تناسب سهام خویش دارد و به همین دلیل هم اشخاص با خرید سهم در شرکت های سهامی شریک می شوند. باید بیان داشت که منظور از سود، سود خالص سال مالی شرکت ها منهای زیانهای که شرکت در سال قبل داشته است می باشد، فلذا منافع که شرکت به صورت اختیاری برای مواقع ضروری ذخیره می کند سود و منافع که شرکا توقع سهمی شدن در آن را دارند اصطلاحاً به سود خالص گفته می شود به طور معمولاً چگونگی پرداخت سود به دست آمده و مقدار قابل پرداخت آن به مالکین سهام برحسب پیشنهاد مدیران و تصویب مجمع عمومی تعیین می شود، منفعت قابل تقسیم در میان شرکا به صورت نقدی و در بازه زمانی سه ماه یا یک ساله تقسیم می شود (جهانخانی، پارسیان، ۱۳۷۵، ۲۵۳). سود شرکت باید به تناسب سهام هریک از سهامداران بین شان تقسیم شود مگر این که براساس اساسنامه بعضی از سهام دارن مزیتی بر دیگران داشته باشند (شفیعی، ۱۳۸۶، ۷۷/۷۵).

۲-۱- حق تقدم در خرید سهام جدی: سهامداران به نسبت سهام شان در درایی شرکت سهام هستند لذا هرگاه تصمیمی مبنی برافزایش سرمایه شرکت در زمان حیات آن گرفته شود صاحبان سهام به تناسب سهام شان حق تقدم در خرید سهام دارند این حق تقدم مبتنی است بر ماده (۱۶۶) قانون اصلاح قسمتی از حقوق تجارت مصوب (۱۳۴۷) (اسکینی، پیشین، ۸۱).

۳-۱- حق سهام شدن در دارایی شرکت پس از انحلال: پس از انحلال شرکت وقتی شرکت به یکی از علل بجز ورشکستگی منحل می شود باید قروض خود را پرداخت کند، پس از پرداخت قروض اگر از دارایی آن چیزی باقی ماند بین سهامداران به نسبت سهم شان تقسیم شود مگر این که عده ای از شرکا از سهام ممتاز برخوردار بوده و امتیاز سهم شان هم این باشد که در زمان تقسیم دارایی شرکت بین سهامداران ترجیحا در قدم نخست مبلغ سهام ممتاز پرداخت گردد و اگر چیزی باقی ماند به تناسب سهام، سهامداران بین شان تقسیم شود (شفیعی، همان، ۷۸/۷۷).

۲- حقوق غیر مالی:

حقوق غیر مالی چهار قسم است که شامل حق اطلاع، حق مشارکت در شرکت، حق رای، و حق انتقال است.

۱-۱- حق مشارکت در شرکت: با تأسیس شرکت و تنظیم قرارداد شرکت، برای دارندگان سهام حقوقی به بار می آورد صاحب سهم حق دارد سهم خود را که بیان کننده شریک بودن او در شرکت است دریافت دارد و هر سهامدار حق دارد براساس این که شریک شرکت گفته می شود در امور شرکت نظارت کرده و از طریق حضور در مجامع عمومی امور شرکت را زیر نظر داشته باشد، اصل تساوی حقوق سهامداران در شرکت بیان کننده ای این است که هر شریک می تواند آزادانه به تناسب سهم خویش در شرکت حضور داشته باشد و به بررسی امور شرکت بپردازد؛ هیچ رکنی از رکن های شرکت حضور سهام داران را در مجامع عمومی نمی تواند منع کند (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ۱۱۵).

۲-۱- حق رای: یکی از اساسی ترین حقوقی که می توان برای صاحبان سهام در شرکت های سهامی شناخت حق رای می باشد، حق رای ناشی از مالکیت سهم است همانطور که قبلا بیان شد صاحبان سهام از حق مداخله در امور شرکت برخوردار می باشند و این مداخله در امور شرکت از طرق مشارکت در مجامع عمومی قابل تحقق است و درمورد حق رای هم باید گفت که هیچ رکنی از ارکان شرکت نمی تواند مانع حضور مالیکین سهام در مجامع عمومی شود میزان مشارکت هم در شرکت سهامی براساس تعداد سهامی که هر شخص ممکن است داشته

باشد سنجیده می‌شود؛ به این معنی که هرکس در شرکت از سهام بیشتری برخوردار باشد حق رای بیشتری خواهد داشت (شفیعی، پیشین، ۸۲/۸۱).

۳-۱. حق انتقال سهم به وسیله دارنده آن: یکی از اوصاف بارز سهم قابلیت نقل و انتقال آن به دیگران می‌باشد در شرکت سهامی نمی‌توان شریک را از انتقال سهام به دیگران منع کرد؛ زیرا شرکت سهامی از جمله شرکت‌های سرمایه‌محور می‌باشد و برعکس شرکت‌های اشخاص شخصیت شرکا در آنان از اهمیت چندانی برخوردار نیست، در نتیجه در این نوع شرکت‌ها شرکا قادر به انتقال سهام خود به صورت آزادانه هستند و هرگاه شریکی بخواهد می‌تواند با انتقال سهام، خود را از شرکت خارج نماید اما همانطور که قبلاً بیان شد انتقال سهام در شرکت‌های سهامی عام و خاص متفاوت است در شرکت سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی‌تواند منوط به موافقت هیئت مدیره یا مجامع عمومی باشد این مفهوم در ماده ۴۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به خوبی بیان شده است (در شرکت سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود) در مورد نقل و انتقال سهام در شرکت‌های سهامی خاص نص خاصی وارد نشده است اما حقوق دانان از مفهوم مخالف ماده فوق برداشت می‌کنند که در شرکت سهامی خاص می‌توان نقل و انتقال سهام را مشروط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی صاحبان سهام دانست (شفیعی، همان، ۸۳).

۴-۱. حق اطلاع از وضعیت شرکت: با خریدن سهام هر سهامدار حق دارد از وضعیت شرکت اطلاع حاصل نماید این حق در متون حقوقی به عنوان حق اطلاع شناخته شده است. در واقع با اجرا این حق سهامداران می‌توانند از حق رای خود به نحو بهتری استفاده کنند؛ گاهی سهامداران در هنگام استفاده از این حق به مشکل بر می‌خورند ممکن است مدیران برای این که سهامداران از وضعیت شرکت آگاه‌نشوند از دادن اطلاع صحیح کناره‌گیری نمایند، قانون‌گذار در ماده ۱۳۹ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت در مورد حق اطلاع بیان می‌دارد که هر صاحب سهم ۱۵ روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت می‌تواند به بررسی صورت حساب‌ها پردازد و از حساب سود و زیان شرکت در سال مالی، گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد (شفیعی، پیشین، ۸۴).

بند دوم: در حقوق افغانستان

در این بند به آثار نقل و انتقال سهام در سه بند پرداخته خواهد شد، در بند اول به بیان آثار نقل و انتقال سهام در روابط طرفین بیان خواهد شد، در بند دوم این گفتار به بیان حقوق مالی و غیر مالی ناشی از نقل و انتقال سهام پرداخته خواهد شد در بند سوم به آثار نقل و انتقال سهام در وضعیت شرکت پرداخته خواهد شد

الف (آثار انتقال در روابط طرفین

هرگاه عقدی صورت گیرد قطعا آثاری در پی خواهد داشت؛ نقل وانتقال سها هم ازاین قاعده مستثنی نیست، هرگاه شخص سهم خویش را به دیگری بفروشد قطعا برای طرفین آثاری به وجود خواهد آورد این آثار عبارت است از انتقال مالکیت به منتقل الیه، پرداختن ثمن به انتقال دهنده یا مالک سهام، و تحویل مبیع یا سهم به مشتری می‌باشد.

۱- انتقال مالیکت به منتقل الیه: اولین و مهم‌ترین اثری که می‌توان برای نقل وانتقال سهام شناخت همانا انتقال مالکیت آن به منتقل الیه است ملکیت در ماده ۱۹۰ قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان چنین تعریف شده است. (ملکیت حقی است که به مقتضایی آن شیء تحت اراده و تسلط شخص قرار می‌گیرد و تنها مالک می‌تواند در حدود احکام قانون به استعمال بهره برداری و هر نوع تصرف مالکانه در آن بپردازد.) بعد از ایجاد عقد نقل و انتقال سهام در شرکت‌های تجاری فروشنده یا دارنده سهام باید اعمالی که برای انتقال سهام لازم است انجام دهد به عنوان مثال گفته شده، برای انتقال سهام در شرکت های محدود المسئولیت در صورتی عمل نقل و انتقال درست است که در دفتر ثبت سهام نام منتقل الیه ذکر شود والا فاقد اعتبار است بر همین اساس انتقال دهنده باید تشریفاتی را که برای انتقال سهام لازم است انجام دهد (نظام الدین، ۱۳۹۱، ۷۰).

۲- تسلیم برگه سهم به مشتری: تسلیم بروزن تفعیل از ریشه سلمه اتخاذ شده است که در لغت به معنایی تحویل دادن، به قبض دادن و دادن چیزی به دیگری است و تسلیم مصدر باب تفعیل از ریشه (سلم) به معنی پذیرفتن و گرفتن است در اصطلاح فقهی تسلیم به این معنا است که فروشنده مبیع را که همان سهم باشد در اختیار منتقل الیه یا خریدار قرار دهد به نحوی که مانع برای تصرف منتقل الیه وجود نداشته باشد به منظور ارایه تعریف بهتری قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان در ماده ۱۰۷۸ چنین بیان می‌دارد. (تسلیم مبیعه عبارت است از دور ساختن موانع بین مشتری و مبیعه، طوری که مشتری بدون حایل و مانع به قبض آن قادر باشد) همانطور که در قسمت اخیر این ماده بیان شد باید موانع را که باعث می‌شود مشتری نتواند مبیع را تسلیم شود یا این‌که اگر هم تسلیم شود اثر قانونی نداشته باشد را برطرف سازد به عنوان مثال یکی از موانعی که می‌توان برای بی اثر ساختن نقل و انتقال ذکر نمود همان ثبت کردن انتقال سهام در دفتر سهامی شرکت محدود المسئولیت می‌باشد در صورتی که بایع حاضر به انجام این کار نشود یا به هر دلیل دیگری این انتقال ثبت نشود نمی‌توان مشتری را مالک سهم شناخت و یا حتی اگر سهم در دسترس مشتری باشد نمی‌تواند از منافع آن استفاده کند.

۳- پرداختن ثمن: بطور معمول انتقال سهام در قالب عقد بیع صورت می‌گیرد عقد بیع یکی از عقود تملیکی است که موجب ایجاد یک سلسله حقوق و تکالیفی برای مشتری می‌شود یکی از تکالیف که مشتری باید در تمام عقود

مخصوصاً در نقل و انتقال سهام باید انجام دهد پرداختن ثمن می‌باشد. ثمن عبارت است از مبلغ پول مورد توافق شده‌ای طرفین معامله است که در مقابل سهم قرار گرفته است همانطور که ذکر شد اولین تکلیفی که می‌توان برای مشتری شناخت، پرداخت ثمن توافق شده به بائع است در صورتی که برای پرداختن ثمن مدتی مشخص نشده باشد باید به صورت عاجل پرداخت شود و در صورتی که برای پرداخت ثمن مدتی مشخص شود براساس توافق بین طرفین عمل خواهد شد. قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان در ماده ۱۰۶۶ بیان می‌دارد. (بیع مطلق که در آن از تعجیل و یا تأجیل ثمن ذکری به عمل نیا ماده باشد، ثمن آن به صورت معجل پرداخته می‌شود، مگر این که عرف برخلاف آن حکم کند).

(ب) حقوق ناشی از انتقال سهام

انتقال مالکیت سهام همانطور که تکالیفی برای منتقل الیه به وجود می‌آورد حقوقی را هم برای او به همراه خواهد داشت اگر چه می‌توان برای منتقل الیه حقوق متعددی را ذکر نمود اما قانون‌گذار در قانون محدود المسئولیت مبحث جداگانه را به آن اختصاص نداده و به صورت پراکنده در لایه‌ای مباحث به آن اشاره نموده است فلذا این حقوق را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد دسته اول حقوق مالی و دسته دوم حقوق غیر مالی که به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

حقوق مالی

۱-۱ حق سهام‌دار شدن در سود شرکت: مهم‌ترین هدفی خریدار سهم را می‌توان سهام‌دار شدن در سود شرکت دانست این که یک سهام‌دار در یک سال مالی، چه مقدار سود بدست آورده است در جلسه سالیانه مجمع عمومی سهام‌داران شرکت مشخص می‌شود سودی که شرکت در یک سال مالی به دست می‌آورد را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود، دسته اول سودی خالص که در برگیرنده درآمد حاصل در هر سال مالی البته هزینه‌ها و استهلاکات و ذخیره‌ها از آن کسر می‌شود، دسته دوم سود قابل تقسیم می‌باشد؛ عبارت از سود خالص سال مالی شرکت است که از آن زیان‌های سال مالی قبل و سرمایه احتیاطی مذکور در ماده ۷۸ و سایر اندوخته‌های اختیاری یا اگر در اساسنامه پیش بینی شده باشد کسر می‌گردد، علاوه بر آن اگر در سال‌های قبل هم شرکت سودی حاصل کرده باشد ولی هنوز تقسیم نشده باشد را شامل می‌شود. پرداخت سود به سهام‌داران از جمله حقوقی است که قانون‌گذار با لحن آمرانه دستور پرداخت آن را داده است اگر چه این یک امر کلی است اما قانون‌گذار در ماده ۷۷ و ۴۷ بر این امر استثناء وارد کرده است در ماده ۷۷ می‌گوید. (در صورتی که شرکت با پرداختن سود به سهام‌داران قادر به پرداخت دیون خود نباشد دیگر لازم نیست سودی بین شرکا تقسیم نماید، باید در نخست دیون شرکت را پرداخته نموده و بعد اگر سودی باقی ماند به تقسیم آن بپردازد (میزایی، پیشین، ۱۶۸).

۲-۱. حق تقدم در خرید سهام جدی: در صورتی که شرکت اقدام به صدور سهام جدید نماید دارنده عادی سهام شرکت در خرید این نوع از سهام حق تقدم دارد حق تقدم به سهامداران شرکت به دو منظور داده می شود اول این که سهامداران از این طریق بتوانند در اداره امور شرکت مداخله کرده و آن را به دست گیرند و دیگری این که حقوق مالی آنان حفظ شود حق تقدم برای سهامداران این آرامش خاطر را می دهد که هیئت مدیره نمی تواند با انتشار سهام جدید و فروش آنها به اشخاصی طالب اداره و کنترل شرکت هستند کنترل شرکت را به آنها بدهد زیرا سهامداران عادی می توانند با خریدن سهام جدید خود کنترل شرکت را در دست داشته باشند و همچنین در صورتی که سهام جدید منتشر شود چون ممکن است شرکت سود ذخیره شده زیاد داشته باشد و در صورتی که سهامداران جدیدی وارد شرکت شوند می توانند از آن منافع بهر مند شده و ضرر قابل ملاحظه‌ای به سهامداران فعلی شرکت وارد نمایند (ماده ۸۴ قانون شرکت های محدود المسئولیت (گلریز، ۱۳۸۴، ۴۷).

۲- حقوق غیر مالی

۱-۱. حق رای: حق رای را می توان به عنوان مهم ترین حقی دانست که یک سهامدار در شرکت های تجاری مخصوصا در شرکت های محدود المسئولیت دارد سهامداران برای استفاده از این حق می توانند در مجامع عمومی شرکت کرده و دراموری همچون انتخاب اعضای هیات مدیره، تغییرات در سرمایه، انحلال شرکت و اموری از این قبیل مداخله کنند، حق رای سهامداران به نسبت سهام شان می تواند کم یا زیاد باشد یعنی این که سهامداران به تناسب سهام شان از حق رای برخوردار هستند سهامداری که سهام بیشتری دارد از حق رای بیشتری هم برخوردار است (میزیایی، پیشین، ۱۷۰).

۲-۱. حق واگذاری سهام: سهامداران حق دارند سهام خود را به دیگران انتقال دهند اما شیوه این انتقال باید براساس قانون محدود المسئولیت شرکت های تجاری باشد و الا نافذ نخواهد بود. نحوه انتقال سهام در ماده ۸۹ قانون ذکر شده که چنین بیان داشته است. (هر سهام دار خواهان انتقال کلی یا قسمی از سهام خویش به شخص ثالث باشد، مکلف است در قدم اول فروش سهام را به سایر سهام داران به تناسب سهم آنها به شرایط یکسان، به شمول قیمت هر سهم پیشنهاد نماید و در فقره دو همین ماده بیان می نماید پیشنهاد مندرج فقره یک این ماده حداقل برای پانزده روز مدار اعتبار است هرگاه سهام دار پیشنهاد خرید سهام به تناسب سهامش را که به وی صورت گرفته رد نماید، این سهام به سهامدار دیگری، به تناسب سهام وی، که پیشنهاد خرید سهام به تناسب سهامش را قبول نموده است پیشنهاد می گردد؛ این پیشنهاد نیز حداقل برای مدت ۱۵ روز اعتبار داشته این روند تازمانی ادامه می یابد که سهامداران دیگر به خرید تمام سهامی سهامداری که خواهان انتقال سهام خویش است موافقه کرده یا آشکار گردد که سهامداران موافق به خرید سهام نیستند و در فقره سه این ماده می گوید در حالات

مندرج فقره دو این ماده هرگاه سهامداران دیگر به خرید تمام سهام، سهامداری که خواهان انتقال سهام خویش است موافقه نمایند سهام سهامداری که خواهان انتقال سهام خویش است در بدل مبلغ مندرج؛ قرارداد در خلال شصت روز به سهامداران دیگر انتقال می‌یابد و در صورتی که آشکار گردد سهامدارن موافق به خرید سهام نیستند سهامدار می‌تواند سهام خویش را به همان شرایط به شمول قیمت هر سهم که به سهامداران موجود پیشنهاد گردیده بود در خلال شصت روز به شخص ثالث انتقال دهد).

۳-۱- حق تفتیش مالی و سوابق حسابات: براساس ماده ۸۰ قانون شرکت‌های محدودالمسئولیت مصوب ۱۳۹۶ شرکا حق دارند تا در جریان حساب‌های شرکت قرار گرفته و از آن‌ها اطلاع یابند این حق در ماده ۸۰ چنین بیان شده است. (سهامدارن در مطابقت با احکام این قانون و اساسنامه‌ی دفاتر حسابداری شرکت محدودالمسئولیت را نظارت و کنترل می‌نمایند).

(ج) آثار انتقال در وضعیت شرکت

نقل وانتقال سهام علاوه بر این‌که آثاری برای انتقال دهنده و منتقل الیه دارد برای شرکت صادر کننده سهم آثاری را به بار می‌آورد که در زیر بیان خواهد شد.

۱- ثبت و واگذاری سهام: همانطور که قبلاً بیان شد نقل و انتقال سهام در شرکت‌های محدودالمسئولیت از جمله عقود تشریفاتی محسوب می‌شود، قانون‌گذار برای این‌که منتقل الیه قادر به استفاده آثار نقل و انتقال باشد باید بعضی از شرایط مقرر شده را رعایت نماید، یکی از این شرایط ثبت نقل و انتقال سهام در دفتر ثبت سهام شرکت محدودالمسئولیت است بر همین اساس هم قانون شرکت‌های محدودالمسئولیت در ماده ۹۰ در این مورد چنین بیان می‌دارد. (انتقال سند سهم در صورتی مدار اعتبار است که در کتاب ثبت سهام شرکت محدودالمسئولیت ثبت گردد)

۲- الحاق سهامدار به شرکت: در صورتی که سهم در شرکت‌های محدودالمسئولیت به دیگری انتقال یابد منتقل الیه به عضویت شرکت محدودالمسئولیت ملحق خواهد شد زیرا در صورتی که شخص سهام خود را به دیگری انتقال داده وضعیت حقوقی آن هم با انتقال سهام تماماً به دیگری انتقال می‌یابد و این‌که منتقل الیه پس از انتقال سهم مالک آن شناخته می‌شود و در سود و ضرر شرکت به تناسب سهم خویش سهیم خواهد شد و هنگامی که با خریدن سهام شرکت محدودالمسئولیت تمام قوانین و مقررات این شرکت را قبول میکند و اگر بعداً هم بخواهد اقدامی انجام دهد باید در راستایی این قوانین باشد.

نتیجه گیری:

نقل وانتقال سهام آثاری را به وجود می آورد، آثار به وجود آمده ممکن است در رابطه طرفین در رابطه با شرکت یا هم حقوقی ناشی از سهم باشد. آثاری که در روابط طرفین به وجود می آید در حقوق ایران و افغانستان تفاوت چندانی ندارد در حقوق ایران می بایست سهام به مالکیت منتقل الیه داخل شود، این عمل در سهام با نام و بی نام متفاوت است در سهام با نام صرفاً قبض و اقباض کافی است اما در سهام بانام می بایست در دفتر ثبت سهام شرکت سهامی درج شود و همچنین انتقال دهنده در قبال دریافت ثمن (مبلغ پولی که در عوض سهم پرداخته می شود) باید مبیع را که همان برگه سهم باشد به منتقل الیه تسلیم کند. آثار ذکر شده در قوانین افغانستان هم مقرر شدند یعنی می بایست سهام داخل در مالکیت منتقل الیه شود، انجام این عمل از طریق ثبت در دفتر ثبت سهام شرکت محدود المسئولت امکان پذیر است و هم چنین در مقابل دریافت ثمن برگه سهم تحویل خریدار شود. آثار دیگری که با انتقال سهام به وجود می آید در رابطه با شرکت است، در حقوق ایران این آثار عبارتند از مکلفیت مدیران شرکت سهامی برای ثبت سهام با نام، ملحق شدن منتقل الیه به شرکت سهامی به عنوان سهامدار و منحل شدن شرکت سهامی در صورتی که تعداد سهامداران از آنچه که قانون مشخص کرده است کم تر باشد این آثار دقیقاً در مورد حقوق افغانستان هم صادق است فقط با این تفاوت که تعداد سهامداران در شرکت های محدود المسئولیت پنجاه شخص معین شده است و در شرکت های سهامی سه نفر. علاوه بر این بانقل انتقال سهام حقوقی برای منقل الیه به وجود می آید که ناشی از سهم است این حقوق، این حقوق به مالی و غیر مالی قابل تقسیم است در حقوق جمهوری اسلامی، حق رای، حق انتقال سهام به دیگری و حق اطلاع از وضعیت مالی شرکت در دسته حقوق غیر مالی و حق دریافت سود به تناسب سهام و حق مشارکت سهامدار در شرکت، حق دریافت از

اموال شرکت بعد از انحلال آن در دسته حقوق مالی قرار می گیرد این حقوق به عنوان حقوق ناشی از سهم در حقوق افغانستان هم پذیرفته شده است.

منابع

۱. ابوالحسن احمد بن محمد قدری، قدوری، ص ۲۷۰
۲. پاسبان، محمد رضا، حقوق شرکتهای تجاری، تهران، سمت، ۱۳۸۹، چاپ چهارم
۳. کاتوزیان، ناصر، درسهای از عقود معین، صص ۷۸
۴. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی (مشارکت ها - عطایا) ص ۲۴
۵. نوین، پرویز، حقوق مدنی ۷ (عقود معین، ج ۳، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۷، چاپ دوم
۶. احمد آبادی، علی دهقان، «موانع و محدودیت های واگذاری سهام شرکتهای سهامی با نگاهی بر لایحه جدید قانون تجارت» (پایان نامه مقطع ارشد حقوق خصوصی) دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۵
۷. استانکزی، نصرالله و ناصح، ولی محمد، حقوق تجارت، کابل، سعید، ۱۳۹۳، چاپ چهارم
۸. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکت های تجاری، ج ۲، تهران، سمت، ۱۳۸۸، چاپ یازدهم
۹. انصاری، مسعود و طاهری، محمد علی، دانشنامه حقوق خصوصی، ج ۲، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، چاپ سوم
۱۰. پور عسکری، علی اصغیر، نکاتی در مورد سهام بورس اوراق بهادر، مجله اقتصاد، شماره ۵۹ و ۶۰، سال ۶.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷ چاپ سی ام.
۱۲. جهانخانی، علی و پارسیان، علی، بورس اوراق بهادار، تهران، مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، چاپ دوم.
۱۳. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج ۲، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۸، چاپ چهارم.
۱۴. سیروان احمدی «نامه قراردادهای انتقال و واگذاری سهام» (پایان نامه مقطع ارشد حقوق خصوصی) دانشگاه پیام نور تهران، ۱۳۸۸
۱۵. شفعی، اکرم السادات، «شرایط و آثار نقل و انتقال سهام در شرکت های سهامی» (پایان نامه مقطع ارشد) ۱۳۸۶-۱۳۸۸
۱۶. عبدالله، نظام الدین، حقوق وجایب (قواعد خصوصی عقود معین) کابل، انتشارات سعید، ۱۳۹۱، چاپ سوم.

۱۷. عرفان، عمرانی، «آثار نقل وانتقال سهم و سهم الشرکه در روابط طرفین، شرکت و اشخاص ثالث» (پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد)، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۱
۱۸. علی عبادی، محمد، حقوق تجارت، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴، چاپ بیست سوم
۱۹. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۷، چاپ سی ششم
۲۰. کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵ چاپ
۲۱. کاویانی، کروش، حقوق شرکت های تجاری، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳، چاپ چهارم
۲۲. گلریز، حسن، بورس اوراق بهادار، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴
۲۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۶، چاپ یازدهم
۲۴. میرزایی، علی محمد، حقوق تجارت افغانستان، کابل، نشر واژه، ۱۳۹۸، چاپ اول
۲۵. میرزایی، علیرضا، محشی قانون تجارت، تهران، بهنامی، ۱۳۹۶، چاپ نهم
۲۶. نذیر، دادمحمد، مبادی علم حقوق، کابل، انتشارات نعمانی، چاپ دوم